

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۱ جون ۲۰۱۳

## عرض سپاس خدمت رفیق توخی با زدن لگد بر اجساد گنبدیده خادیسیت ها

رفیق گرانقدر، گرانمایه، مبارز نستوه و انقلابی زندان دیده توخی صاحب! با نثار درود و سپاس به پیشگاه شما فرزند فرزانه مادر وطن، انقلابی بی باک و با غرور و شخصیت با اصالت، وطنپرست و نهایت شفیق و مهربان در قدم نخست طول عمر با سلامتی و سعادت برای تان آرزو می دارم و دوم سرم را به خاطر زندگی پر افتخار مبارزاتی تان در داخل و در خارج کشور به رسم ارج نهادن و احترام عمیق، فرود می آورم.

استاد فرهیخته و دانشمند!

این که مهربانی و محبت کردید و شمه ای از زندگی مبارزاتی ام را در کانادا و افغانستان تحت عنوان (روایتی از زندگی مبارزاتی رفیق میرویس ودان محمودی) به رشته تحریر در آوردید، نه تنها بر من محنت گذاشتید بل برایم افتخار آفریدید و این محبت رفیقانه شما را در پهلوی دیگر محبت های شایان تان و تشویق های ارزنده تان برای آموختن تا واپسین نفس فراموش نکرده و افتخار می دارم که رفیق و مربی بزرگوار و نهایت با تربیت، مؤدب، با نظافت و با اصالتی همچو شما را دارم، درود و هزاران درود بر شرافت انقلابی و اجتماعی تان و درود و هزاران درود بر خانم مبارز، دانشمند و انقلابی تان رحیمه جان. اگر نزدیک تان می بودم قدم های تان را گلباران می کردم.

این که داکتر خلقی رفیق داکتر زرغون «غف» و صادق مفعول بر شما تهمت ها و بهتان زدند و ناروا گفتند و چنین وانمود کردند که نوشته هایم توسط شما نوشته شده است و به همین علت مورد حملات کین توزانه این بی ناموسترین جاسوسان بی مایه و فرومایه و نامرد قرار گرفتید و هم خانم انقلابی تان از گزند تحقیر و توهین های این مفعولان و فواحش سیاسی در امان نماند، هرچند دشنام از جانب دشمنان مردم را بالاتر از پاداشی می دانم که یک انقلابی می تواند بدان دست یابد، باز هم از شما پوزش می خواهم.

این سگان دهن دریده و ماچه اینقدر خر تشریف دارند که از خر گری شان الاغ می خندد چه رسد به انسانها. بارها این ها را دعوت به نشست رو در رو و تبادل افکار نمودم و اما این زنازادگان بی پدر و بی مادر از ترس جرأت نکردند که به چشمان یک فرد انقلابی نگاه کرده جر و بحث نمایند. راستی که از خلقی و مفعول، توقع انسانی نمی توان کرد!

چون میزبان مهمانانی هستم که از خارج تشریف آورده اند و در پهلوی مهمانداری مصروف کار بوده و هم مسؤولیت مبارزاتی ام را فراموش نمی کنم و از هر فرصت و روزنه ای استفاده اعظمی کرده به جواب اراجیف صادق ظفر

مفعول و «سازمان مرده گاوآن م.ل.م.» که حالا همچو روباهی مادینه در زیر نقاب پ-ستیز به اختصار و مخفف «پس» که همان باد بویناک را گویند، پنهان شده اند، مفصلاً خواهم پرداخت.

برای صادق مفعول، مهتاب شب چهارده جاغوری که من را «سوسیال خور» گفته است با سربلندی و افتخار اعلام می دارم:

هرچند استفاده از کلمه سوسیال خور به مثابه تحقیر فقط محصول مغز کسانی می دانم که تا مغز استخوان شان در فرهنگ «قدسیترمایه» حل شده و موجودیت هر نوع بیمه اجتماعی را ضربتی بر منافع غارتگرانه طبقاتی خود می دانند، به شدت محکوم می نمایم و گویندگان آن را چیزی بیشتر از سگان پاسبان درگاه سرمایه نمی دانم، با آنهم در مورد خود باید بنگارم:

من سالهاست کار می کنم و از طریق کار و زحمت امرار معاش می کنم. مخالف و موافق در زحمتکش بودنم هیچ شکی ندارند و ارج بی پایان می نهند. تا سال ۱۹۹۶ برای دیگران کار می کردم و اما از سال ۱۹۹۶ به این طرف Self-employee یعنی صاحب کار می باشم. در سال ۱۹۹۶ سه تا شاگرد از ملیت شریف هزاره داشتم و برای دو رفیق هزارگی ام خیلی زیاد خدمت و کمک کرده ام که به کوری چشم صادق مفعول حالا از بهترین نوع زندگی برخوردارانند و همراه در تماس می باشند. دو شاگرد هراتی ام که یکی فرد عادی و دیگرش طرفدار شعله جاوید بودند، آنها را آموزش داده و مدد نمودم که به کوری چشم داکتر غفور «غف» دارای کار و زندگی های خیلی مرفه شده اند. یک شاگرد پنجشیری ام که نماز های پنجگانه اش قضاء نمی شود امروز از کمک من صاحب آرگاه و بارگاه شده است و به رسم احترام و ارجگزاری همیشه احوال را می پرسد. یک شاگرد کابلی ام را صاحب خانه و تجارت ساختم. یک شاگرد لوگری ام را نه تنها کمک های مادی و معنوی کردم بلکه صاحب خانه ساختم و در اسپانسر کردن یک فامیل لوگری، از جمله پنج نفر امضاء کننده اش من بودم. یک خانم سرسفید را به کانادا اسپانسر شدم که فعلاً در تورنتو زندگی می کند و.....حالا تو مفعول مفتخور و جاسوس بگو و بیان دار که در پهلوی مفعولی، دزدی، جاسوسی و.... آیا به راستی کدام عملکرد و ارمان انسانی داری و یا خیر؟

اگر مردم بدانند که تو مفعول جاسوس و خیراتخور انجوتیست بر من تهمت سوسیالخور را زده ای نخست می خندند و دوم بر ارواح نا مطهر نطفه گذار دلالت و نطفه گذار پدیرت، لعنت و نفرین کرده پخسه های تف ارسال می دارند.

در آن زمانی که به ضد «رادیو صدای.....» و جارچی خادیشش نوشتیم مغازه اولینم را باز کرده بودم. بنا بر عو تو ماچه سگ کچه و لولو اگر اعلامیه به تعداد دو هزار تکثیر نگردیده بود و چند صد دانه تکثیر شده بود؛ پس کی اعلامیه ها را فوتو کاپی و تکثیر نمود و مصرفش را بر عهده گرفت او اولاد حرامی زنا زاده کثیف و رند بچه جاغوری؟!!

در مورد اعلامیه آغاز «جنگ خلق» توسط «حزب کمونیست مائویست افغانستان» به صد ها کاپی تکثیر کردم. مغازه گوشت حلال «هجرت» که مربوط طرفداران ولایت و امامت و حزب وحدت اسلامی بود به مالکیت عبدالله و ابراهیم ..... که در دوره اول وکیل پارلمان دولت و حکومت پوشالی «کرزی» بود، شاهدان زنده ام هستند که با اثر مخالفت های شان صد ها اعلامیه را در مغازه شان گذاشتم و در دسترس مردم قرار دادم.

تو چوتار بی فرهنگ و بی اصالت بنویس که غیر از من که پول برای تان ارسال می داشت و اعلامیه ها و ..... را با پولش فوتو کاپی می نمود و در معرض خواندن مردم قرار می داد؟

ببینم که کدام مرد و یا نامرد پشت پرده جرأت دارد تا این مسؤولیت را بپذیرد. اگر مادر چنین مردی را زائیده است و شهامت دارد با اسم اصلی اش حرف صادق پشت، مفعول چشمپاره جاغوری را تأیید کند و من را دروغگو ثابت بسازد!!!

